Print ISSN: 2008-8744
online ISSN: 2228-7612
Jurisprudence and the Fundaments of the Islamic Law
University of Tehran
Faculty of Theology and Islamic Studies

A Critique of the Ruling for the Prohibition of the Production of Nuclear Weapons

Distinguishing Between "Production" and "Use"

Mojtaba Mosleh[1]

1. Seminary researcher and PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: m.mosleh@ut.ac.ir

Abstract

Today, nuclear weapons are recognized as one of the tools of power for certain countries, to the extent that the defensive doctrines of these countries are based on the existence of these weapons. According to the theory of nuclear deterrence, possessing nuclear weapons can deter countries from initiating war or attacking one another, a theory particularly evident during the Cold War between the United States and the Soviet Union. In Shi'a jurisprudence, many jurists emphasize the prohibition of using nuclear weapons and, in general, weapons of mass destruction. However, some researchers have deemed the production of nuclear weapons to be prohibited, in addition to their use. This paper critiques the reasons posited by researchers who have concluded that the production of nuclear weapons is forbidden. Furthermore, there is no inherent connection between the production and use of nuclear weapons that could justify a prohibition against these types of weapons. Given the perspective that the "production" of nuclear weapons can act as a deterrent, the aim of this research is to analyze the initial ruling regarding the production of nuclear weapons. The results of this descriptive-analytical study reveal that, despite the ruling against the use of nuclear weapons, there is no strong evidence for prohibiting their production, contrary to previous research findings. Rather, invoking the principle of permissibility and dissociation (ibāḥa and barā'a), the permissibility of producing these weapons can be substantiated. Additionally, there are foundational arguments that could even establish the obligation to produce nuclear weapons, in a manner that does not render their production void.

Keywords: Nuclear Deterrence, Production of Nuclear Weapons, Nuclear Jurisprudence, Defensive Doctrine, Weapons of Mass Destruction.

Print ISSN: 2008-8744
online ISSN: 2228-7612
Jurisprudence and the Fundaments of the Islamic Law
University of Tehran
Faculty of Theology and Islamic Studies

Cite this article: Mosleh, M. (2025). A Critique of the Ruling for the Prohibition of the Production of Nuclear Weapons: Distinguishing Between "Production" and "Use". *Jurisprudence and the Fundaments of the Islamic Law*, 57 (2), 517-537. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.
© The Author(s).
DOI:https://doi.org/10.22059/jjfil.2025.384950.669750

Article Type: Research Paper
Received: 12-Nov-2024
Received in revised form: 9-Feb-2025
Accepted: 15-Feb-2025
Published online: 8-Mar-2025

دانشگاه تهران
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
فقه و مبانی حقوق اسلامی
شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۸۷۴۴
شاپا الکترونیکی: ۲۲۲۸-۷۶۱۲

نقدی بر حکم به حرمت تولید سلاح هسته‌ای

تفکیک میان «تولید» و «استفاده»

مجتبی مصلح[1]

۱. پژوهشگر حوزوی و دانشجوی دکترا، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.mosleh@ut.ac.ir

چکیده

امروزه سلاح‌های هسته‌ای به‌عنوان یکی از ابزارهای قدرت برخی از کشورها شناخته می‌شود؛ به‌نحوی که دکترین دفاعی این کشورها بر پایه وجود این سلاح‌ها استوار است. مطابق نظریه بازدارندگی هسته‌ای، داشتن سلاح هسته‌ای می‌تواند کشورها را از آغاز جنگ یا حمله به یکدیگر بازدارد که این نظریه به‌ویژه در دوران جنگ سرد میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی به‌وضوح قابل مشاهده بود. در فقه امامیه، بسیاری از فقها به حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای و به‌طور کلی، سلاح‌های کشتار جمعی تأکید دارند. اما برخی محققین، علاوه بر حرمت استفاده، تولید سلاح هسته‌ای را نیز حرام دانسته‌اند. در این مقاله، دلایل پژوهشگرانی که حرمت تولید سلاح هسته‌ای را نتیجه گرفته‌اند، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. از طرفی ملازمه‌ای نیز بین تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای وجود نداشته که به‌واسطه آن، بتوان به حرمت اینگونه سلاح‌ها، حکم کرد. با توجه به این دیدگاه که «تولید» سلاح هسته‌ای می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند؛ هدف از انجام این پژوهش، نقد و بررسی حکم اوّلی تولید سلاح هسته‌ای می‌باشد. نتایج این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته، نشان می‌دهد که علی‌رغم حکم به حرمت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، برخلاف نتایج تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته، دلیل مستحکمی برای حرمت تولید آن وجود ندارد. بلکه با استناد به اصل اباحه و برائت، جواز تولید این سلاح‌ها را می‌توان اثبات نمود. علاوه بر آن، دلایل اثباتی وجود دارد که مستند به آن، حتی وجوب تولید سلاح هسته‌ای نیز ثابت می‌شود، به نحوی که تولید آن نیز لغو نگردد.

کلیدواژه‌ها: بازدارندگی هسته‌ای، تولید سلاح هسته‌ای، فقه هسته‌ای، دکترین دفاعی، سلاح کشتار جمعی.

استناد: مصلح، مجتبی (۱۴۰۳). نقدی بر حکم به حرمت تولید سلاح هسته‌ای: تفکیک میان «تولید» و «استفاده». فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۷ (۲)، ۵۱۷-۵۳۷.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

© نویسندگان

DOI: https://doi.org/10.22059/jjfil.2025.384950.669750

نوع مقاله: علمی-پژوهشی
دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲
بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱
پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷
انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

CC BY NC

مقدمه

تولید و اشاعه سلاح‌های هسته‌ای یکی از مسائل مهم و پرچالش در عرصه جهانی است که نه تنها ابعاد سیاسی و نظامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بلکه از منظر فقهی نیز نیازمند تحلیل و بررسی است. این موضوع در دنیای معاصر به ویژه با توجه به توسعه فناوری و رقابت‌های نظامی، ابعاد پیچیده‌تری به خود گرفته‌است. از یک سو، برخی کشورها به دنبال تقویت قدرت دفاعی و بازدارندگی خود از طریق تولید سلاح‌های هسته‌ای هستند و از سوی دیگر، نهادهای بین‌المللی و گروه‌های مختلف در تلاشند تا با گسترش دیپلماسی و قوانین بین‌المللی، مانع از این روند شوند.

با توجه به نسل‌کشی رژیم اسرائیل در جنگ علیه محور مقاومت و افزایش تنش‌ها میان جمهوری‌اسلامی‌ایران و رژیم غاصب صهیونیستی، بسیاری از سیاستمداران و کارشناس‌های نظامی-امنیتی، طرح تغییر دکترین هسته‌ای ایران را پیشنهاد داده‌اند. این تغییر دکترین بر اساس سه گزاره مطرح شده‌است: ۱) رژیم صهیونیستی دارای سلاح هسته‌ای است؛ ۲) این رژیم، جمهوری‌اسلامی‌ایران را به عنوان دشمن اصلی خود می‌داند؛ ۳) این رژیم در صورت تهدید موجودیت خود، در استفاده از سلاح هسته‌ای و نسل‌کشی ابایی ندارد و ممکن است از آن استفاده کند. بنابراین، طراحان این طرح بر لزوم تغییر دکترین هسته‌ای ایران تأکید دارند تا توازن قوا برقرار شود.

با این حال، چالش اساسی در این تغییر، فتوای حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای است. در تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته، حرمت توأمان تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای، نتیجه گرفته شده‌است. این پژوهش با تفکیک بین حکم «تولید» و «استفاده» از سلاح هسته‌ای و با فرض حرمت استفاده از این سلاح‌ها، به نقد و بررسی حکم اوّلی تولید سلاح هسته‌ای پرداخته و به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست: آیا از منظر فقهی می‌توان جواز تولید سلاح هسته‌ای را اثبات کرد؟ با فرض حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای و جواز تولید آن، آیا صرف تولید این سلاح، می‌تواند مؤثر باشد و در مواقع لزوم، حتی تهدید به استفاده از آن نیز ممکن است؟ در فقه امامیه چه تدابیری برای تحقق این هدف اندیشیده شده‌است؟

این پژوهش، بنیادی بوده که داده‌های آن بر اساس روش کتابخانه‌ای تهیه گردیده که در نهایت این داده‌ها با روش توصیفی-تحلیلی، مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این تحقیق، بعد از بیان کارکرد تولید سلاح هسته‌ای، مهمترین ادله‌ای که ناظر بر حرمت تولید سلاح هسته‌ای می‌باشد، مورد نقد و ارزیابی فقهی قرار گرفته و در نهایت، ادله‌ای که جواز، بلکه وجوبِ تولید سلاح هسته‌ای را ثابت می‌کند، بررسی خواهد شد.

پیشینهٔ پژوهش

در این‌خصوص پژوهش‌های متعددی صورت گرفته‌است که نتیجه مجموع این پژوهش‌ها، حرمت تولید، انباشت و استفاده از سلاح هسته‌ای بوده‌است. به‌طور کلی پژوهش‌های صورت گرفته را می‌توان در سه بخش ارزیابی کرد:

۱. برخی از این پژوهش‌ها صرفا ناظر به بررسی فقهی استفاده و کاربرد سلاح هسته‌ای بوده و یا استفاده از آن را طبق یک نظریه‌خاص مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه همه این تحقیقات، مطابق فتوای آیت الله العظمی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، حرمت استفاده از سلاح‌هسته‌ای می‌باشد. (احسانی‌فر، ۱۳۹۶: ۸۱-۱۰۹؛ احسانی‌فر، ۱۳۹۶: ۶۷-۹۶؛ حکمت‌نیا و احسانی‌فر، ۱۳۹۶: ۳۴-۵؛ یوسف‌وند و کهوند، ۱۳۹۶: ۸۹-۱۱۰)

۲. برخی دیگر از پژوهش‌ها به‌بررسی فقهی «تولید»، «کاربرد» و یا علاوه بر آن دو، «انباشت» سلاح‌های هسته‌ای پرداخته‌اند. اما در این‌میان برخی محققین بدون تفکیک این عناوین از یکدیگر، ادله فقهی آن را به صورت مشترک آورده (علیدوست، ۱۳۹۲: ۷-۲۸؛ حنّان و علوی‌وثوقی، ۱۳۹۹: ۲۰۷-۲۳۲) که همین امر موجب شده که بسیاری از این ادله، ارتباطی با بحث «تولید» نداشته و نهایت امر، حرمت استفاده و کاربرد سلاح هسته‌ای را ثابت نماید.

۳. برخی دیگر از محققین، به‌درستی عنوان «تولید» را از «کاربرد» تفکیک کرده، دلایل‌فقهی ناظر به دو عنوان تولید و انباشت (احسانی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۸۸-۲۲۵؛ ربانی و روحانی، ۱۳۹۹: ۸۷-۱۰۷) یا تولید و کاربرد سلاح هسته‌ای (سلیمانی و حسینی، ۱۴۰۰: ۲۰۷-۲۳۶) را بررسی نموده و حرمت هر دو را نتیجه گرفته‌اند.

از منظر فقهی، حکم تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای نیازمند بررسی دقیق و واکاوی می‌باشد. با توجه به تحقیقات گسترده و وجود برخی فتاوا مبنی بر حرمت «استفاده» از سلاح هسته‌ای، تحقیق پیش‌رو به‌طورخاص به‌بررسی فقهی حکم «تولید» سلاح هسته‌ای می‌پردازد و در رهیافتی نو، پژوهش‌های گذشته را مورد نقد قرار می‌دهد.

۱. کارکرد تولید سلاح هسته‌ای

یکی از سؤالاتی که پاسخ به آن، می‌تواند به‌رفع برخی ابهامات و پاسخ به برخی ادله‌فقهی کمک شایانی نماید، پاسخ به این سؤال است که صرف تولید سلاح هسته‌ای چه کارکردی می‌تواند داشته باشد؟ آیا تولید سلاح هسته‌ای به‌تنهایی می‌تواند موجب بازدارندگی شده و مانع از بروز جنگ گردد؟ در پاسخ باید گفت که مهمترین فایده تولید سلاح هسته‌ای، ایجاد بازدارندگی است. چه‌آنکه بازدارندگی به معنای «توانایی جلوگیری از تهدیدات یا اعمالی از طرف حریف با توسل به‌تهدید متقابل معادل یا بیشتر» می‌باشد. (حمزه‌پور، ۱۳۹۰: ۱۴۸) اساساً راهبرد بازدارندگی به‌منظور جنگیدن طراحی نشده‌است،

بلکه هدف از آن، حفظ وضعیت‌کنونی و به‌انفعال کشاندن کشور هدف و در نهایت دستیابی به‌صلح و تثبیت آن است. این راهبرد به‌منظور متقاعد کردن طرف مقابل ارائه می‌شود تا نشان دهد که از میان گزینه‌های ممکن، اقدام تجاوزکارانه کمترین تأثیر را خواهد داشت. (ازغندی، ۱۳۷۳: ۹۷). بنابراین اهداف بازدارندگی، متفاوت از اهداف جنگ است. در جنگ، هدف اصلی شکست دادن یا از بین بردن دشمن است، در حالی که در بازدارندگی، هدف این است که بدون آسیب‌زدن به دشمن، اراده خود را به او تحمیل کنیم یا از تحمیل اراده او بر خود جلوگیری کنیم. (ایزدی، ۱۳۸۴: ۶۴)

وجود سلاح‌های هسته‌ای به عنوان یک سلاح با قدرت تخریب بالا، علاوه بر بازدارندگی در مقابل دولتی که این سلاح را در اختیار ندارد، حتی نسبت به دولتی که این سلاح را نیز در اختیار دارد، ایجاد بازدارندگی می‌کند. زیرا عواقب استفاده از سلاح هسته‌ای برای طرفین درگیر بسیار ویرانگر خواهد بود. ازاین‌رو، جنگ‌هایی که اتفاق می‌افتد، جنگ‌های سطحی بوده و به‌نحوی نیست که موجودیت آن کشور را به‌خطر بیندازد. به همین جهت بوده که دو ابر قدرت ایالات متحده آمریکا و شوروی، با علم به قدرت تخریب این سلاح و از بیم حمله هسته‌ای هر یک به دیگری، مانع از جنگ گسترده‌ای میان آن دو گردید. نمونه دیگری که در عصر کنونی پیش‌روی ماست که موجب جلوگیری از بروز جنگ گسترده گردیده‌است، روابط پر تنش میان هند و پاکستان بوده‌است. حال آنکه این دو کشور، قبل از آنکه به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند، سه جنگ تمام عیار را گذرانده بودند. هند در سال ۱۹۷۴ نخستین آزمایش هسته‌ای خود را انجام‌داد و بعد از آن پاکستان نیز، به‌تحقیق و توسعه به‌منظور دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای پرداخت. بعد از آزمایش‌های هسته‌ای پاکستان در سال ۱۹۹۸، تعادل هسته‌ای در منطقه برقرار شد. با وجود تنش‌های شدید و بحران‌های‌نظامی (مانند حملات ۲۰۰۱ به پارلمان هند و تنش‌های ۲۰۱۹)، سلاح‌های هسته‌ای به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل کرده‌است و مانع از جنگ گسترده میان این دو کشور گردیده‌است؛ زیرا هر دو کشور از عواقب ویرانگر جنگ‌هسته‌ای آگاه هستند. (رسولی‌ثانی‌آبادی، عطار و ماوندادی، ۱۳۹۸: ۱۵۶-۱۵۷)

در مقابل، در نمونه‌ای تاریخی، در پایان جنگ‌جهانی‌دوم، آمریکا بر علیه ژاپن دست به حمله اتمی و کشتار چندصدهزار نفر زد. حال چه بسا اگر ژاپن دارای سلاح هسته‌ای بود، ایجاد بازدارندگی می‌کرد و احتمال حمله اتمی آمریکا به ژاپن به حداقل می‌رسید. بنابراین، وجود سلاح هسته‌ای بوده که مانع از جنگ گسترده میان قدرت‌های هسته‌ای شده‌است و هیچ دو کشور دارای سلاح هسته‌ای را نمی‌توان یافت که جنگ گسترده‌ای بین آنها اتفاق افتاده باشد.

اشکال دیگری که باید به آن پاسخ داد این است که اگر قصد به‌کارگیری و استفاده از سلاح هسته‌ای، وجود نداشته باشد، تولید آن نیز بی‌ثمر خواهد بود. بنابراین فایده‌ای که برای تولید سلاح هسته‌ای گفته شد، در صورتی است که دشمن بداند که اراده استفاده از آن نیز وجود دارد. حال اگر قائل به حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای بشویم، دیگر اراده‌ای بر استفاده از آن وجود ندارد و در عمل، تولید آن نیز بی‌ثمر خواهد بود.

اما این اشکال زمانی صحیح است که ما ملزم باشیم به بیان واقعیات، حال آنکه نه تنها این الزام وجود ندارد؛ بلکه بر اساس قاعده تقیه که به معنای خود نگه‌داری از افشای راز بوده (شریعتی، ۱۳۹۳: ۱۹۹) و از اقسام آن، تقیه از کفار است (زارعی‌سبزواری، ۱۴۳۰: ج۸: ۳۴۹)؛ اگر حفظ دولت اسلامی یا کیان کشور اسلامی یا مصلحت مهم دیگری باشد که مخفی نگه‌داشتن عقیده، بلکه خلاف واقع گفتن آن، مصلحتی مهمتر از بیان آن را داشته باشد، تقیه واجب است. (شریعتی، ۱۳۹۳: ۲۰۴) مضاف بر آن، بر اساس روایاتی نظیر «الْحَرْبُ خُدْعَة» (شیخ‌صدوق، ۱۴۱۳: ج۴: ۳۷۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج۷: ۴۶۰)؛ جنگ، اساسا محل خُدعه و نیرنگ است و لزومی به بیان واقعیت وجود ندارد. بلکه بر اساس روایات، حتی در جنگ، کذب نیز صحیح بوده و حرمت آن برداشته شده است[۱]. (کلینی، ۱۴۰۷: ج۲: ۳۴۲) لذا بر این اساس، در صورت فتوای به‌حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای، لزومی به‌بیان آن در عرصه بین‌المللی و در برابر دشمنان وجود ندارد؛ بلکه حتی می‌توان در صورت لزوم، تهدید به استفاده نیز نمود و این همان معنای بازدارندگی است. زیرا آنگونه که گفته شده، بازدارندگی به معنی و مفهوم ساده، چیزی نیست جز بلوف زدن، یعنی تظاهر به اجرای تضمینی بیشتر از آنچه که واقعا وجود دارد که این خود، نوعی تهدید است و درواقع تلاشی است برای آنکه طرف مقابل اقدامی نکند. (ازغندی، ۱۳۷۳: ۹۷) البته تشخیص این امر که آیا بیان این فتوا و یا بیان خلاف آن، به مصلحت یا به ضرر جامعه‌اسلامی است، به عهده حاکم‌اسلامی است. لذا ممکن است در مقطعی از زمان، مصلحت در بیان فتوای حرمت باشد و در مقطعی دیگر، مصلحت، اقتضاء کند که خلاف آن بیان شود.

۲. نقد و بررسی ادله حرمت تولید و نگهداری سلاح هسته‌ای

برای حرمت تولید سلاح هسته‌ای، ادله‌ای بیان شده‌است. نکته قابل توجه آنکه همانگونه که در مقدمه بیان شد، برخی محققین دلایلی ذکر کرده‌اند که ارتباطی با بحث «تولید» نداشته و صرفاً مربوط به بحث «استفاده» از سلاح هسته‌ای می‌باشد. لذا با توجه به این نکته و مطرح نکردن اینگونه ادله، مهمترین دلایلی که صرفاً مناسب با بحث تولید سلاح هسته‌ای بوده، بررسی می‌گردد.

۲-۱. حرمت مقدمه حرام

این دلیل متوقف بر حکم به حرمت کاربرد سلاح هسته‌ای است. به‌این بیان که چون استفاده از سلاح هسته‌ای حرام است، پس مقدمات آن اعم از تولید، انباشت، نگهداری، تعلیم و تعلّم و ... نیز حرام است. (ربانی و روحانی، ۱۳۹۹: ۱۰۱) برخی نیز از این دلیل با عنوان «ملازمه تولید با آثار حرام آن» سخن گفته‌اند. به‌این بیان که چون سلاح هسته‌ای هیچ اثری غیر از حرام ندارد، پس تولید آن نیز حرام است. (احسانی‌فر: ۱۳۹۴: ۲۰۵)

---

۱. كلُّ كذِبٍ مَسْئُولٌ عَنْهُ صَاحِبُهُ يوْماً إِلَّا كذِباً فِي ثَلَاثَةٍ رَجُلٌ كائِدٌ فِي حَرْبِهِ فَهُوَ مَوْضُوعٌ عَنْه ...

اما این دلیل تمام نیست؛ زیرا در این دلیل فرض بر این گرفته شده‌است که کاربرد سلاح هسته‌ای، منحصر در استفاده از آن است، بنابراین چون کاربرد آن (ذی المقدمه) حرام است، پس تولید و نگهداری و هر امری که به‌نحوی بتوان عنوان مقدمیت بر آن گذاشت نیز حرام است.

لکن بایستی گفت که امروزه کارایی سلاح هسته‌ای متوقف بر استفاده از آن نیست؛ بلکه آنگونه که بیان شد، صرف تولید و نگهداری آن نیز مستقلا دارای ارزش بوده، ولو آنکه قصد استفاده از آن وجود نداشته باشد. بنابراین نگاه، تولید و نگهداری سلاح هسته‌ای خود دارای ارزش بوده و مستقلاً قصد می‌شود، لذا می‌توان آن را، عنوانی مستقل در نظر گرفت و نه آنکه به‌عنوان مقدمه‌ای برای استفاده از آن لحاظ شود. زیرا در مقدمه حرام بحث در آن است که اگر کسی انجام کار حرامی را قصد کرد، آیا مقدمات آن نیز حرام است یا خیر؟ (ملکی‌اصفهانی، ۱۳۷۹: ج۲: ۱۶۴) حال آنکه با فرض عقلایی بودن تولید و نگهداری سلاح هسته‌ای و ارزش ذاتی آن و قصد این عنوان، از بحث مقدمیت خارج می‌شود. مگر آنکه گفته شود که در بحث مقدمه حرام، «قصد» دخالتی ندارد و هر آنچه که به‌واسطه آن بتوان به ذی المقدمه رسید، عنوان مقدمیت پیدا می‌کند. (مرکزالتحقیقات‌والدراسات‌العلمیة فی‌المجمع‌العالمی للتقریب بین‌المذاهب‌الاسلامیة، ۱۴۳۰: ج۴: ۴۲) حال بر فرض که مقدمیت آن را نیز بپذیریم، در حرمت مقدمه حرام، اختلاف نظر وجود دارد که در این خصوص، مهمترین نظرات، چهار قول می‌باشد که طبق هیچ‌کدام از مبانی‌مشهور در مقدمه حرام، حرمت ساخت سلاح هسته‌ای ثابت نمی‌شود.

برخی نظیر امام‌خمینی (ره) ملازمه‌ی بین ذی‌المقدمه و مقدمه را در هیچ‌کدام از مباحث مقدمه‌واجب و مقدمه‌حرام نمی‌پذیرند (۱۳۷۳: ج۱: ۴۱۵؛ ۱۳۸۱: ج۱: ۲۸۲)، لذا در بحث پیش‌رو نیز، مطابق این نظر، مقدمه‌حرام، حرام نبوده بنابراین نمی‌توان مستند به آن، قائل به حرمت ساخت سلاح هسته‌ای شد. اما مطابق دیدگاه آخوندخراسانی، اگر چه در مقدمه‌واجب، این ملازمه مطلقا وجود دارد، اما در مقدمه‌حرام، قائل به تفصیل شده و تنها حرمت مقدماتی را می‌پذیرد که با ایجاد آن، ذی‌المقدمه نیز لزوما ایجاد می‌شود؛ به این معنا که مقدمه، علت‌تامه برای تحقق ذی‌المقدمه حرام می‌باشد (۱۴۰۹: ۱۲۸). با وجود پذیرش این تفصیل نیز، حرمت تولید سلاح هسته‌ای ثابت نمی‌شود، زیرا تولید سلاح هسته‌ای علت‌تامه برای استفاده از آن نمی‌باشد، زیرا استفاده از آن منوط به اراده و تصمیم بر استفاده و عملی کردن آن می‌باشد، بر خلاف پرتاب کردن شیء در آتش که علت‌تامه سوختن آن شیء می‌باشد.

دیدگاه سوم تنها در صورت تحقق ذی‌المقدمه در خارج، قائل به تسرّی حرمت ذی‌المقدمه به مقدمه شده‌است؛ البته اگر مقدمه علت‌تامه یا جزء اخیر علت‌تامه نباشد که بنا بر این قول، در این صورت بدون اشکال، مقدمه نیز حرام می‌باشد. (عراقی، ۱۴۱۱: ج۱: ۳۱۷-۳۲۰) بنابراین طبق این قول نیز صرف تولید سلاح هسته‌ای حرام نمی‌باشد. زیرا تولید سلاح هسته‌ای نه علت‌تامه و نه جزء

اخیر علت‌تامه است و تنها در صورت استفاده از آن است که ساخت آن نیز حرام می‌باشد؛ حال آنکه فرض این است که قصد استفاده وجود ندارد.

اما نظریه چهارم بین قصد حرام و یا عدم قصد آن قائل به تفصیل شده‌است. (نراقی، ۱۳۷۵: ۷۱؛ نایینی، بی‌تا: ج۱: ۲۸۹؛ صدر، ۱۴۱۷: ج۲: ۲۸۷) بنابراین نظر نیز، اگر هدف از تولید سلاح هسته‌ای استفاده از آن نباشد، حرمت آن ثابت نیست. بنابراین طبق هیچ یک از مبانی مشهور در مقدمه‌حرام، ساخت سلاح هسته‌ای حرام نمی‌باشد.

۲-۲. اسلام، دین صلح و امنیت

این دلیل که برخی با عنوان «مقاصد شریعت» از آن یاد کرده‌اند (علیدوست، ۱۳۹۲: ۱۵) بر این پایه استوار است که مطابق آیاتی نظیر «وَ اللهُ يدْعُوا إِلى‌دار السَّلامِ» (یونس: ۲۵) و «لَيبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور: ۵۵)؛ دین اسلام، دین صلح، آرامش و امنیت است؛ لذا هر کاری که با این ویژگی در تنافی باشد، جایز نمی‌باشد. بنابراین دینی که با آمدن خود، وعده صلح، آرامش و امنیت داده‌است، چگونه می‌تواند مجوّز ساخت سلاحی را صادر کند که مهمترین عامل سلب امنیت، محسوب می‌شود و این دو امر با یکدیگر در تضاد هستند. (حنّان و علوی‌وثوقی، ۱۳۹۹: ۲۲۲-۲۲۳)

اما این استدلال نیز تمام نیست. در اشکالی نقضی می‌توان گفت مطابق این استدلال بایستی گفت که چون دین اسلام، دین صلح و امنیت است، دستور جهاد نیز با این امر در تضاد است؛ لذا خداوند نمی‌تواند دستور به جهاد داده باشد! اما اشکال حلّی آن این است که در این استدلال، تنها آیاتی که ناظر به صلح و امنیت‌آور بودن اسلام است دیده شده و آیات بی‌شماری که ناظر بر جنگ و جهاد بوده، در نظر گرفته نشده‌است. نمی‌توان تنها برخی آیات را لحاظ کرد و آیات بیشمار دیگری نظیر «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكونَ فِتْنَةٌ» (بقره: ۱۹۳) و «وَ مَا لَكمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (نساء: ۷۵) را لحاظ نکرد. اسلام در عین آنکه دین صلح است، در مواقع لزوم، توصیه به جنگ و دفاع از خود نموده‌است؛ آنگونه که شهید مطهری فرمودند: «دین باید طرفدار صلح باشد، اما بایستی طرفدار جنگ هم باشد». (مطهری، ۱۳۷۷: ج۲۰: ۲۲۳) لذا در مواقعی که طرف مقابل به همزیستی شرافتمندانه تن نمی‌دهد و در پی ظلم است، باید از حق و شرافت دفاع کرد. مضاف بر آنکه صِرف تولید و نگهداری سلاح هسته‌ای، موجب سلب صلح و امنیت نمی‌شود که توضیح تفصیلی آن، در پاسخ به استدلال بعد، خواهد آمد.

۲-۳. برهم خوردن آرامش روانی جامعه بشری

در استدلالی دیگر گفته شده که ساخت سلاح هسته‌ای موجب سلب امنیت روانی جوامع بشری می‌شود. زیرا تولید اینگونه سلاح‌ها موجب ایجاد ترس و وحشت در دل افراد بی‌گناه می‌شود که این امر عین بی‌عدالتی و ظلم است که بنا بر آیه «وَلَا يجْرِمَنَّكمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده: ۸) و حکم عقل، از آن نهی شده‌است. (حنّان و علوی‌وثوقی، ۱۳۹۹: ۲۲۴)

این استدلال نیز قابل قبول نمی‌باشد. زیرا اولا تولید سلاح‌هایی که به قصد دفاع و ترساندن ظالمان ساخته می‌شود، مصداق ظلم نبوده و حرام نمی‌باشد[۲]؛ خصوصا که قصد بکارگیری از آن نیز وجود ندارد. حال آنکه اگر این استدلال صحیح باشد، ساخت هرگونه سلاحی حرام می‌شود؛ چه آنکه با این استدلال، ممکن است تولید دیگر سلاح‌ها نیز موجب از بین رفتن آرامش روانی افراد بی‌گناه شود.

ممکن است در پاسخ گفته شود که این سلاح‌ها به جهت ویژگی خاصی که دارند و جزء سلاح‌های کشتار جمعی محسوب می‌شوند، موجب ایجاد رُعب و ترس در دل بی‌گناهان می‌شود و سلاح‌هایی که این ویژگی را ندارند، موجب این امر نمی‌شود. این اشکال صحیح نیست؛ زیرا هر سلاحی چون می‌توان از آن علیه افراد غیر نظامی استفاده کرد، این خصوصیت را دارد و منحصر در سلاح‌های کشتار جمعی نیست. لذا این استدلال شامل دیگر سلاح‌ها نیز می‌شود؛ حال آنکه هیچ فقیهی ملتزم به حرمت سلاح‌های مرسوم بشری نشده‌است.

بر فرض پذیرش صغرای استدلال مبنی بر از بین رفتن امنیت‌روانی جامعه و مردم بی‌گناه، دلیلی بر حرمت مطلق سلب آرامش روانی مردمان آن حکومت متخاصم، وجود ندارد؛ ولو آنکه گفته شود که آنان مردمی غیرنظامی و بی‌گناه هستند. بر اساس مبانی فقهی، حتی اگر در جنگ، کفّار، مسلمانی را به عنوان سپر انسانی قرار دهند، در فرضی که پیروزی بر دشمن، متوقف بر کشتن او باشد، کشتن او جایز است. (صاحب‌جواهر، ۱۴۲۱: ج۱۱: ۵۳). حال در اینجا به‌طریق‌اولی اگر پیروزی بر دشمن و تحمیل اراده خود بر او-ولو با ایجاد بازدارندگی و جلوگیری از جنگ-متوقف بر این امر باشد، تولید سلاح هسته‌ای و حتی تهدید به استفاده از آن، جایز، بلکه واجب است. خصوصا اگر سلب امنیت‌روانی مردمان آن حکومت‌متخاصم، موجب فشار مردم آن جامعه بر حکومت خود شود که دست از تخاصم و دشمنی با حکومت‌اسلامی بردارد. به‌بیان دیگر، در تزاحم بین امنیت و حفظ حکومت‌اسلامی و آرامش روانی مردم آن حکومت، بدون شک، امنیت و حفظ حکومت اسلامی در اولویت قرار دارد؛ زیرا حفظ نظام‌اسلامی، نسبت به دیگر واجبات، از اهمیت بالاتری برخوردار است. (شریعتی، ۱۳۹۳: ۸۲)

ثانیا بر صغرای این استدلال نیز اشکال است. زیرا تولید سلاح هسته‌ای به خودی خود، موجب سلب‌امنیت جامعه نمی‌شود. چه‌آنکه در ایران‌اسلامی، با وجود آنکه کشورهای همسایه‌ای نظیر هند و پاکستان دارای سلاح هسته‌ای هستند، اما موجب سلب امنیت‌روانی جامعه نشده‌است؛ چرا که آسیبی از سوی آنان، کشور را تهدید نمی‌کند. بلکه حتی می‌توان ادعا کرد که وجود سلاح هسته‌ای رژیم صهیونیستی و دولت متخاصم آمریکا نیز، مادامی که تهدید استفاده از آن جدی نشود، موجب سلب امنیت روانی جامعه نشده و نمی‌شود. بنابراین استفاده حرمت تولید سلاح هسته‌ای، مستند به این دلیل صحیح نبوده و قابل استناد نمی‌باشد.

---

۲. بررسی تفصیلی آن، در دلیل عقلی خواهد آمد.

برخی دیگر از محققین با بیان دیگری، سعی در ارائه صحیحی از این استدلال کرده‌اند. مطابق این بیان، «محاربه» از حرام‌های قطعی است که موجب اخلال در امنیت‌عمومی جامعه می‌شود. اطلاق کلام فقها نشان می‌دهد که تفاوتی نمی‌کند که شخص محارب، موجب ایجاد ترس در دل مسلمانان یا غیر مسلمانان شود و همچنین تفاوتی نمی‌کند که این محاربه در بلاد اسلامی باشد یا در غیر آن. همچنین در صدق محاربه، قصد افساد کافی است و تحقق خارجی آن، شرط نیست. حال که اسلام برای بر هم زدن امنیت و آرامش اجتماعی، چنین مجازات سنگینی در نظر گرفته‌است؛ به‌طریق‌اولی تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای که به مراتب بیشتر از محاربه موجب از بین رفتن امنیت عمومی می‌شود؛ ممنوع می‌باشد. (ربانی و روحانی، ۱۳۹۹: ۱۰۲-۱۰۳)

اشکال این استدلال نیز روشن است. مضاف بر آنکه گفته شد، صرف ساخت سلاح هسته‌ای موجب سلب امنیت جامعه نمی‌شود، در پاسخ گفته می‌شود: اولا این اطلاق چگونه از کلام فقها استفاده شده‌است؟! یکی از شرایط اطلاق آن است که متکلم، در مقام بیان باشد (حکیم، بی‌تا: ج۱: ۱۷۴)؛ حال کدام فقیه در مقام بیان صدق محاربه حتی در صورت ترساندن غیر مسلمان و در بلاد کفر بوده‌است؟! کدام فقیه ملتزم می‌شود که فلسطینی‌هایی که به قصد دفاع از خود و ارهاب و ترساندن غاصبین سرزمینش، دست به سلاح می‌برند و موجب ترس و وحشت رژیم صهیونیستی و شهروندان آن می‌شود، محارب هستند؟! در ثانی در کشف احکام لازم است که ادله آن بررسی شود و اطلاق کلام فقیه حجت نمی‌باشد! ثالثا، این استدلال یک نوع قیاس است که در فقه امامیه از آن نهی شده‌است و اولویتی که گفته شده نیز صحیح نمی‌باشد. چرا که ممکن است گفته شود که «سلب امنیت عمومی» در محاربه خصوصیتی دارد که این خصوصیت در دفاع از خود و ترساندن دشمن، وجود ندارد، ولو آنکه موجب سلب امنیت‌عمومی مردم عادی حکومت‌متخاصم شود. حتی احتمال این امر نیز برای از بین رفتن این اولویت کفایت می‌کند.

۲-۴. لغو و اسراف بودن تولید سلاح هسته‌ای

مطابق این استدلال وقتی که هدف از ساخت سلاح هسته‌ای، استفاده و کاربرد از آن نمی‌باشد، تولید آن، کاری لغو و بیهوده بوده فلذا حرام می‌باشد. (ربانی و روحانی، ۱۳۹۹: ۲۲۷؛ سلیمانی و حسینی، ۱۴۰۰: ۱۰۵) وقتی دشمنان ما می‌دانند که ما قصدی برای استفاده از آن نداریم، صرف تولید سلاح هسته‌ای دیگر ارزش و کارایی نداشته و بازدارندگی لازم را نیز ایجاد نمی‌کند. بنابراین علاوه بر لغویت تولید آن، ادله حرمت تبذیر و اسراف نیز شامل آن شده و موجب حرمت تولید آن می‌شود. (احسانی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۹۷؛ ربانی و روحانی، ۱۳۹۹: ۱۰۵)

در پاسخ به این استدلال بایستی گفت که اوّلا تولید سلاح هسته‌ای لغو نیست، ولو آنکه قصد کاربرد آن نیز وجود نداشته باشد. زیرا لغو در اصطلاح دینی به معنای اعمال مباحی است که فاعل آن در آخرت نفعی نمی‌برد یا آنکه نفع دنیوی که منتهی به نفع اخروی شود، ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰:

ج۱۵: ۹)؛ یا به بیانی دیگر، لغو به اعمالی گویند که غرض و هدفی در آن وجود ندارد. (سبزواری، ۱۴۱۳: ج۱۶: ۱۵۹) حال آنگونه که گفته شد، صرف تولید سلاح هسته‌ای، موجب ایجاد بازدارندگی می‌گردد؛ لذا تولید آن، مصداق لغو و تبذیر نمی‌باشد.

آنگونه که بیان آن گذشت، آگاهی دشمنان از حکم حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای نیز، نمی‌تواند موجب بی‌اثر شدن تولید و در نتیجه مصداق لغو یا تبذیر شدن آن شود؛ زیرا سخن ما نزد دشمنان، اعتباری ندارد. اگر غیر از این بود، مقام معظم رهبری بارها حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای را اعلام کرده بودند؛ اما باوجود این، پرونده هسته‌ای کشور به بهانه پیگیری تولید سلاح هسته‌ای هنوز باز است و به همین جهت، جمهوری اسلامی ذیل تحریم‌های متعددی قرار گرفته‌است.

در صورتی که ادعا شود که دشمنان به فتوای فقها باور دارند، اما سیاست آن‌ها فشار بر ایران است و پرونده هسته‌ای ابزاری برای تحقق این سیاست‌هاست؛ در پاسخ گفته می‌شود که علی‌رغم اینکه این ادعا بعید به نظر می‌رسد، اما برای رفع این شبهه می‌توان اعلام نمود که حکم حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای، مشابه بسیاری از فتاوای دیگر، دچار تغییر شده و استفاده از آن در مواقع ضروری مجاز می‌باشد. چرا که بر اساس جواز خُدعه و نیرنگ (علامه‌حلی، ۱۴۱۴: ج۹: ۸۳؛ محقق‌کرکی، ۱۴۱۴: ج۳: ۳۸۷) و حتی استفاده از کذب در جنگ (حسینی‌عاملی، بی‌تا: ۶۷/۴؛ صدر، ۱۴۳۰: ج۲: ۲۲۴)، حتی در صورتی که قائل به حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای باشیم، می‌توان در مواقع ضروری، تهدید به استفاده نیز نمود. بنابراین، آگاهی دشمنان از حرمت تولید سلاح هسته‌ای نمی‌تواند موجب لغویت یا اسراف در تولید سلاح هسته‌ای گردد.

ثانیا کبرای استدلال مذکور در خصوص حرمت لغو نیز، قابل پذیرش نمی‌باشد. زیرا دلیلی بر حرمت «لغو» به نحو مطلق وجود ندارد (نراقی، ۱۳۸۰: ج۲: ۲۳؛ خوئی، ۱۴۱۸: ج۳۵: ۶۴۵؛ خرازی، ۱۴۲۳: ج۷: ۲۳۳) و قدر متیقن از حرمت آن، بازی با ابزار قمار می‌باشد (سبزواری، ۱۴۱۳: ج۱۶: ۱۵۹). لذا هم صغری و هم کبرای این استدلال مبنی بر حرمت لغو، مخدوش می‌باشد.

۲-۵. عقل

برخی از محققین مستند به حکم عقل، «تولید، انباشت و کاربرد سلاح هسته‌ای» را حرام دانسته‌اند؛ زیرا عقل هرگونه ظلم، بی‌عدالتی و فساد را قبیح می‌شمارد. (علیدوست، ۱۳۹۲: ۱۵) اما این بیان صحیح نمی‌باشد. عمده اشکال آن این است که ایشان هر سه عنوان «تولید، انباشت و کاربرد» سلاح هسته‌ای را در عرض هم دانسته و در مباحث فقهی خویش نیز این عناوین را از یکدیگر تفکیک نکرده‌است. حال آنکه این سه عنوان، عناوین مستقلی هستند که باید به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد. لذا برخلاف آنچه که برخی ادعا کرده‌اند (احسانی‌فر، ۱۳۹۴: ۲۰۵)، نه تنها بین «تولید» و «استفاده»، ملازمه‌ای وجود ندارد؛ بلکه حتی بین «نگهداری» و «تولید» (کاشف الغطاء، ۱۴۳۱: ۱۱۱، خوئی، ۱۴۱۸: ج۳۵: ۳۶۴؛ منتظری، ۱۴۱۵: ج۲: ۶۳۲-۶۳۳؛ روحانی، ۱۴۲۹: ج۱: ۲۹۵)

و همچنین بین «استفاده» و «نگهداری» نیز، ملازمه‌ای وجود ندارد. (سبزواری، ۱۴۱۳: ج۲: ۱۵۱ و ج۱۶: ۶۲؛ طباطبایی حکیم، بی‌تا: ج۹: ۴۲۳).

بنابراین در پاسخ به این ادعا بایستی گفت که صرف تولید سلاح هسته‌ای را نمی‌توان مصداق ظلم یا فساد دانست و در نتیجه نمی‌توان آن را مستند به حکم عقل، به‌طور مطلق قبیح و حرام شمرد. (فاضل‌لنکرانی، ۱۳۹۴: ۱۵) تولید سلاح هسته‌ای بدون قصدِ استفاده و کاربست، ظلم بر چه کسی است؟! نهایت امری که بتوان مستند به حکم عقل، ظلم بودن آن را ثابت کرد، استفاده و کاربرد سلاح هسته‌ای می‌باشد و نه تولید و نگهداری آن.

۲-۶. اجماع

برخی نیز مستند به «اتفاق فقیهان»، تولید و کاربرد سلاح هسته‌ای را حرام شمرده‌اند (علیدوست، ۱۳۹۲: ۱۵) که ظاهرا مراد ایشان اجماع بوده؛ چه‌آنکه اگر قرینه‌ی صارفه‌ای وجود نداشته باشد، ظهور این عبارت در «اجماع» است. (ساعدی، ۱۳۸۴: ۱۵۴) لکن این بیان از ایشان جای تعجب دارد و صرفاً ادعایی بوده که دلیلی برای آن ارائه نشده‌است!

بنا بر قول اصولی‌های امامیه، حجیت اجماع، منوط به کشف قول معصوم (ع) است. (مظفر، ۱۳۸۸: ج۳: ۱۱۲؛ خمینی، ۱۳۸۵: ج۱: ۲۵۵) . حال در بحث پیش‌رو اگر مقصود ایشان، اجماع فقهای متقدم بوده که می‌تواند کاشف از قول معصوم (ع) باشد؛ در پاسخ گفته می‌شود که این اجماع وجود نداشته و اساسا این موضوع، از مسائل نوپدید بوده که طبعا از سوی فقهای متقدم، سخنی در این‌خصوص گفته نشده‌است. اگر مقصود، اجماع فقهای معاصر است که اولا این اجماع ثابت نیست و مخالف دارد (سیفی‌مازندراتی، ۱۴۲۵: ج۱: ۲۳۷؛ یزدی، ۱۳۷۴: ج۲: ۲۵۴)؛ ثانیا اگر هم اجماعی باشد، صرفا در خصوص کاربرد سلاح هسته‌ای است و نه صرف تولید آن؛ ثالثا اجماع ایشان حجت نیست؛ زیرا کاشف از قول معصوم (ع) نمی‌باشد. اگر هم مقصود ایشان وجود عمومات و اطلاقاتی است که با وجود آن، هر فقیهی حکم به حرمت تولید و کاربرد سلاح هسته‌ای می‌کند؛ در پاسخ گفته می‌شود که بر فرض آنکه به این قسم نیز اجماع گفته می‌شود؛ اجماع مدرکی بوده که بنا بر قول مشهور متأخرین امامیه، حجت نمی‌باشد. (حائری‌اصفهانی، ۱۴۰۴: ۴۴؛ میرزای‌قمی، ۱۴۳۰: ج۱: ۴۳۲ و ۴۶۲؛ سیفی‌مازندرانی، ۱۴۲۹: ج۹: ۱۶۲)

۳. نقد و بررسی ادله جواز تولید و نگهداری سلاح هسته‌ای

حال که مشخص شد، دلیلی بر حرمت تولید سلاح هسته‌ای وجود ندارد، مستند به اصل اباحه و اصل برائت، می‌توان جواز تولید سلاح هسته‌ای را ثابت نمود. چه‌آنکه هر جا نصی مبنی بر حرمت استفاده از یک شیء وجود نداشته باشد، مستند به این دو اصل، می‌توان جواز استفاده از آن شیء را ثابت نمود

که البته اصل اباحه، ناظر بر حکم واقعی و اصل برائت، ناظر بر حکم ظاهری می‌باشد. (ولایی، ۱۳۸۶: ۷۳) اما با این وجود، آیا دلیل شرعی وجود دارد که به‌طور خاص، جواز، بلکه وجوبِ تولید اینگونه سلاح‌ها را ثابت نماید؟ در ادامه، ادله اثباتی جواز (به معنای اعم) تولید سلاح هسته‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. آیه إعداد

مهمترین دلیلی که می‌توان برای جواز، بلکه وجوب تولید سلاح هسته‌ای به آن تمسک نمود، آیه إعداد می‌باشد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّة وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال: ۶۰): برای مقابله با دشمنان، هر چه در توان دارید از نیرو و از اسبهای ورزیده آماده سازید، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!

در این آیه، «أَعِدُّوا» فعل امر بوده که ظهور در وجوب دارد (عراقی، ۱۴۱۷: ج۱: ۱۶۰). همچنین در عمومیت «مَا اسْتَطَعْتُمْ» و اطلاق «قُوَّة» شک و شبهه‌ای نیست و بسیاری از فقها و مفسرین به آن اشاره کرده‌اند. (حسینی‌شیرازی، ۱۴۲۳: ۱۰۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج۹: ۱۱۴؛ مدرسی، ۱۳۹۲: ۲۱۸؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ج۷: ۲۲۵) حتی کسانی که از ادله، حرمت تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای را استفاده کرده‌اند، عمومیت و اطلاق این آیه را پذیرفته‌اند. (حنّان و علوی‌وثوقی، ۱۳۹۹: ۲۱۷؛ ربانی و روحانی، ۱۳۹۹: ۹۱؛ سلیمانی و حسینی، ۱۴۰۰: ۲۱۵؛ علیدوست، ۱۳۹۲: ۱۷) بنابراین آیه، هر نوع آمادگی اعم از نیروی انسانی و تجهیزات جنگی و با هر نوع سلاح و ابزاری-ولو سلاح هسته‌ای-که موجب تقویت قوای مسلمانان شده، واجب شده‌است. لذا این قائلین به حرمت تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای هستند که باید دلیلی بر تخصیص این عموم ارائه دهند؛ بنابراین مادامی که نسبت به تولید و یا استفاده از سلاح هسته‌ای، مخصّصی یافت نشود، این وجوب پابرجاست.

با توجه به بررسی تفصیلی ادله‌ای که برخی برای حرمت تولید اینگونه سلاح‌ها استفاده کرده‌اند، مشخص گردید که همه این ادله مخدوش بوده و نمی‌تواند حرمت تولید سلاح هسته‌ای را ثابت کند و نهایت امر، استفاده از سلاح هسته‌ای از این عموم، تخصیص خورده‌است؛ بنابراین عمومیت این آیه در خصوص وجوب تولید سلاح هسته‌ای پا برجاست.

۳-۱-۱. پاسخ به سه شبهه

نسبت به دلالت این آیه، شبهاتی مطرح گردیده‌است که مهمترین این شبهات بررسی می‌گردد:

الف) مصداق «قوة» نبودن سلاح هسته‌ای

در این میان، برخی محققین یک اشکال صغروی به این آیه مطرح کرده‌اند که جای تعجب دارد! برخی در اینکه سلاح هسته‌ای، مصداق «قوة» در آیه إعداد باشد و در اختیار داشتن آن، موجب قدرت و برتری نظامی کشورها شود، تشکیک کرده و مهمترین دلیل آن را، عدم امکان بکارگیری آن دانسته‌اند؛

زیرا موجب ایجاد خطرات محیط زیستی و انزجار افکار عمومی شده که دامن خود به‌کارگیرندگان این سلاح‌ها را خواهد گرفت. (احسانی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۹۴-۱۹۵؛ ربانی و روحانی، ۱۳۹۹: ۹۵-۹۷)

در بیانی دیگر، با وجود تعهدات اخلاقی یا شرعی و یا معاهدات بین‌المللی مبنی بر عدم استفاده از سلاح هسته‌ای که مورد پذیرش بسیاری از کشورها قرار گرفته‌است، تولید و انباشت این سلاح، بیمی در دل دشمن ایجاد نخواهد کرد. (احسانی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۹۵) اما این اشکال صحیح نبوده و با آنچه که درواقعیت بوده و مشاهده می‌شود، در تضاد است. بنابراین بهترین دلیل در رد این ادعا، بررسی آنچه که درواقع اتفاق افتاده‌است، می‌باشد. اگر این ادعا صحیح بود و سلاح هسته‌ای عامل قدرت نبود، نباید هیچ کشوری به دنبال دستیابی به اینگونه سلاح‌ها می‌بود. بلکه حتی کشورهای دارای این سلاح نیز، بایستی سلاح‌های هسته‌ای خود را از بین می‌بردند؛ زیرا در این صورت، فقط هزینه تحقیقات و نگهداری آن داده می‌شد و فایده‌ای برای آن کشور نداشت. همچنین نباید کشورهایی که خود این سلاح را در اختیار دارند، به دنبال منع دیگر کشورها در دستیابی به این سلاح می‌بودند، زیرا مطابق این ادعا، سلاح هسته‌ای قدرت‌افزا نمی‌باشد.

وجود معاهدات بین‌المللی نیز هیچ‌گاه نمی‌تواند تضمین نماید که کشورهایی که دارای این سلاح هستند و به تعهدات اخلاقی نیز پایبند نیستند، زمانی که موجودیت خود را در خطر ببینند، از این سلاح استفاده نکنند. بلکه حتی اگر متعهد به مسائل اخلاقی و شرعی نیز باشند، با وجود داشتن این سلاح، دیگر دولت‌ها نمی‌توانند این تعهدات را باور کنند. لذا این اشکال قابل طرح نبوده و با اندک تأملی پاسخ داده می‌شود.

ب) جاری نشدن حکمِ وجوب به جهت تردید در موضوع

برخی محققین اشکال دیگری را مطرح کرده‌اند و آن این است که رتبه موضوع، قبل از حکم می‌باشد. بنابراین قبل از حکم، لازم است که موضوع احراز شود تا بتوان حکم آن را جاری کرد. بنابراین در آیه إعداد، قبل از حکم به وجوب تولید سلاح خاصی، باید جواز ساخت آن سلاح را ثابت نمود. زیرا در سلاحی که موضوع آیه قرار گرفته‌است، برخی شرایط و موانع أخذ شده‌است؛ حال در صورت تردید در موضوع آیه، نمی‌توان مستند به آن، وجوب تولید آن را اثبات نمود. (احسانی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۹۷) اما این استدلال، مصادره به مطلوب است. بحث در همین مسئله است که آیا دلیلی مبنی بر ممنوعیت تولید سلاح هسته‌ای وجود دارد یا خیر؟ حال صرف بیان تردید در موضوع مسئله و ارائه نکردن دلیل این تردید در استدلال، نمی‌تواند مانعی برای انعقاد موضوع گردد. نمی‌توان با صِرف ادعای وجود برخی شرایط و موانع در ساخت سلاح، این تردید را در موضوع آیه به‌وجود آورد. حال آنکه همان‌طور که بیان گردید، دلیلی بر ممنوعیت تولید سلاح هسته‌ای وجود نداشته و ادله‌ای که برای حرمت آن ارائه شده، قابل پذیرش نمی‌باشد.

ج) انحصار ارهاب و ترس به خصوص دشمن

مطابق این اشکال، استعداد و آمادگی و تجهیز قوا در آیه إعداد، منحصر در ترساندن دشمن شده‌است. بنابراین انحصار، ترساندن مردم عادی و غیر نظامی جایز نمی‌باشد. از این‌رو تولید سلاح هسته‌ای به جهت آنکه موجب ایجاد ترس و وحشت در دل مردم عادی و غیر نظامی می‌شود، مشمول این آیه نمی‌شود. (ربانی و روحانی، ۱۳۹۹: ۱۲۳؛ سلیمانی و حسینی، ۱۴۰۰: ۲۱۸) اما این اشکال نیز قابل پذیرش نمی‌باشد. زیرا همانگونه که بیان شد، تولید سلاح هسته‌ای به خودی خود، موجب سلب امنیت جامعه نمی‌شود. مضاف بر این اشکال صغروی، علت در این آیه، صرفا یک علت ایجابی است. به‌این‌بیان که آیه صرفا ناظر بر این مطلب است که علت آمادگی و تجهیز قوا، ترساندن دشمن است. بنابراین اگر إعداد علاوه بر ترساندن دشمن، موجب ترساندن مردم عادی و غیر نظامی نیز شود، آیه نسبت به آن سخنی نگفته و آن را نفی نکرده‌است.

به‌بیان دیگر، اگرچه در آیه إعداد، علّت حکم، ترساندن دشمن بیان شده‌است، اما منحصر بودن آن در ارهاب دشمن-که با رفع آن، حکم نیز رفع شود-نیاز به دلیل دارد. لذا این انحصار یا باید از ادات حصر فهمیده شود و یا آنکه آیه مفهوم داشته باشد و در نتیجه، ترساندن غیر دشمنان نهی شده باشد. اما در این آیه، هر دو امر منتفی است. بدین بیان که نه ادات حصر در تعلیل وجود دارد که از آن انحصار فهمیده شود و نه آنکه تعلیل ذکر شده در آیه «تُرهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكم»، مفهوم دارد که دلالت بر این مدعا کند. زیرا در تعلیل موجود در آیه، تنها می‌توان به مفهوم لقب تمسک کرد و حال آنکه بنا بر قول مشهور اصولی‌ها، لقب مفهوم ندارد. (آخوندخراسانی، ۱۴۰۹: ۲۱۲؛ عراقی، ۱۴۱۷: ج۲: ۵۰۲).

۳-۲. قاعده نفی سبیل

یکی از ادله‌ای که می‌توان برای جواز تولید سلاح هسته‌ای به آن استناد کرد، قاعده نفی سبیل است. مطابق آیاتی نظیر «وَ لَن يجعَلَ ٱللَّهُ لِلكفِرِينَ عَلَى ٱلمُؤمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۱۴۱) و «وَ لِلَّهِ ٱلعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِۦ وَ لِلمُؤمِنِينَ» (منافقون: ۸) و روایاتی نظیر «الْإِسْلَامُ يعْلُو وَ لَا يعْلَى عَلَيه» (شیخ‌صدوق، ۱۴۱۳: ج۴: ۳۳۴)؛ در اسلام حکمی که موجب ثبوت سلطه کفار بر مسلمانان شود، تشریع نشده‌است. (فاضل‌لنکرانی، ۱۳۸۳: ۲۴۲) حال حکم به حرمت تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای، حکمی است که موجب سلطه کفار بر مسلمانان می‌شود. (سیفی‌مازندراتی، ۱۴۲۵: ج۱: ۲۳۷) زیرا این امر موجب کاهش قدرت دفاعی مسلمانان شده و در نهایت می‌تواند به تضعیف استقلال سیاسی و اقتصادی مسلمانان و افزایش نفوذ کفار، منجر شود. حال بر فرضِ آنکه نسبت به استفاده از سلاح هسته‌ای دلیل به‌خصوصی بر منع وجود دارد، اما همانگونه که بیان شد، نسبت به تولید آن، دلیلی بر منع وجود ندارد. بنابراین مطابق این قاعده، جواز تولید سلاح هسته‌ای ثابت می‌شود.

۳-۲-۱. قاعده مقابله‌به‌مثل

مفاد این قاعده آن است که باید با دیگران همان کاری کرد که آنان با ما می‌کنند. آیاتی نظیر «فَمَنِ اعْتَدی عَلَیْکُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدی عَلَیْکُمْ»[۳] (بقره: ۱۹۴)، «فَإِنْ قاتَلُوکُمْ فَاقْتُلُوهُمْ»[۴] (بقره: ۱۹۱) و «وَ إِنْ عاقَبْتُمْ فَعاقِبُوا بِمِثْلِ ما عُوقِبْتُمْ»[۵] (نحل: ۱۲۶) دلالت بر این معنا می‌کند. این قاعده در تمامی حوزه‌ها نظیر مسائل سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی جریان دارد. (شریعتی، ۱۳۹۳: ۴۰۳-۴۰۲) تا جایی که حتی برخی فقها، مستند به اطلاق برخی از این آیات، جواز دشنام را در مقابل دشنام، در صورت مماثلت، ثابت دانسته‌اند. (سبزواری، ۱۴۱۳: ج۱۶: ۹۸) بنابراین زمانی که دشمنان اسلام و مسلمانان با تولید سلاح هسته‌ای، امنیت مسلمانان را به‌خطر انداخته و یا با تهدید به استفاده از آن، موجب سلب امنیت‌روانی جامعه‌ی مسلمانان می‌شوند، حکومت‌اسلامی نیز می‌تواند با هدف بازدارندگی و دفع این تهدیدات، مقابله‌به‌مثل نموده و اقدام به تولید سلاح هسته‌ای نماید.

ممکن است اشکال شود که زمانی می‌توان به آیاتی نظیر آیه «اعتداء» تمسک نمود که تجاوزی صورت گرفته باشد و در پاسخ به آن تجاوز، مقابله به مثل نمود؛ لذا نمی‌توان جواز تولید سلاح هسته‌ای را مستند به این قاعده ثابت کرد. زیرا تا زمانی که دشمن از این سلاح، استفاده نکند، تجاوزی صورت نگرفته‌است که مستند به این قاعده، بخواهد مقابله‌به‌مثل شود. (فاضل‌لنکرانی، ۱۳۹۴: ۲۴)

در پاسخ گفته می‌شود که «اعتداء» در لغت به معنای «تجاوز کردن از حق» می‌باشد (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵۴) و از طرفی، «اعتدی» در آیه، مطلق بوده و شامل هر نوع تجاوزی می‌شود. حال در صورتی که یک رژیم‌متخاصم، با تولید سلاح هسته‌ای، امنیت نظام‌اسلامی و مردمان آن را به مخاطره بیندازد؛ خصوصا اگر هیچ ابایی از نسل‌کشی و استفاده از آن سلاح نیز نداشته باشد؛ این عمل، تجاوز به امنیت‌مسلمانان بوده و مصداق تعدّی می‌باشد. زیرا یکی از حقوق اساسی هر ملّتی، حق امنیت است و امنیت، هر دو بُعد عینی و ذهنی را شامل می‌شود. (مجموعه‌نویسندگان، ۱۳۷۸: ج۱: ۳۱۹) حال حکومت‌اسلامی می‌تواند مستند به اینگونه آیات، مقابله‌به‌مثل نموده و اقدام به تولید سلاح‌هسته‌ای نماید و شرایط برابری را نسبت به دولت متخاصم ایجاد نماید.

۴. وجوب درشتی و غلظتِ برخورد با دشمنان

مطابق آیاتی نظیر «یأَیهَا اَلَّذِینَ ءَامَنُواْ قَاتِلُواْ اَلَّذِینَ یلُونَکم مِّنَ اَلکفَّارِ وَ لیجِدُواْ فِیکم غِلظَةً»[۶] (توبه: ۱۲۳) و «یا أَیهَا النَّبِی جاهِدِ الْکفّارَ وَ الْمُنافِقِینَ وَ اغْلُظْ عَلَیهِم»[۷] (توبه: ۷۳)؛ خداوند متعال امر به

---

[۳]. پس هرکس بر شما تعدی کرد، همان گونه که بر شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید.

[۴]. پس اگر با شما جنگیدند، شما نیز با آنها بجنگید و به قتل برسانید.

[۵]. اگر به شما عقوبت و ستمی رساندند، شما نیز به همان اندازه عقوبت کنید.

[۶]. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به‌شما نزدیکترند، پیکار کنید! آنها باید در شما شدّت و خشونت احساس کنند!

[۷]. ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و با آنان به‌شدّت رفتار کن!

درشتی، شدّت و خشونت برخورد با کفّار می‌کند و تولید سلاح هسته‌ای، مصداق شدّت و غلظتی است که بنا بر این آیه، واجب گردیده‌است.

اما ممکن است اشکال شود که ظهور اینگونه آیات در این است که این شدّت و غلظت با کفّار، در وقت جنگ و پیکار است و قبل از آن را شامل نمی‌شود. در پاسخ گفته می‌شود که یکی از روش‌های تعدّی حکم از موضوعی به‌موضوع دیگر، مناسبت حکم و موضوع است. (لجنةالفقه‌المعاصر، ۱۴۴۴: ۱۷۲) به‌معنای مناطها، روابط و مناسبت‌هایی که در دید عرف میان یك حکم و موضوع آن وجود دارد، به‌گونه‌ای که به‌عنوان یك دلیل شرعی لفظی گاهی سبب تخصیص و گاهی سبب تعمیم حکم می‌گردد. (مرکزاطلاعات‌ومدارک‌اسلامی، ۱۳۸۹: ۸۰۰) حال اگرچه ظاهر آیه آن است که این شدّت و غلظت در خصوص وقت نبرد و پیکار است؛ اما مناسبت حکم و موضوع ما را به‌این امر رهنمون می‌کند که جهت این غلظت و شدّت، چیزی نیست مگر انداختن ترس و رُعب در دل دشمنان تا آنکه آنان هوس توطئه و نفوذ در مسلمانان را نکنند.

در استدلالی دیگر می‌توان گفت، زمانی که در میانه جنگ و نبرد، شدّت و غلظت لازم است؛ به‌طریق‌اولی این شدّت و غلظت قبل از آغاز جنگ ضروری است تا دشمنان حتّی جرأت تعدّی به سرزمین مسلمانان را نکنند. و این همان معنای بازدارندگی است که در آیه إعداد به آن اشاره شده‌است: «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال: ۶۰). بنابراین داشتن تجهیزات جنگی مُدرن و کارآمد، از جمله سلاح هسته‌ای، ابزاری است که موجب ترس در دل دشمنان شده تا هوس تعدّی به سرزمین مسلمانان را نکنند.

نتایج

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که «تولید» و «استفاده» از سلاح هسته‌ای، ملازمه‌ای با یکدیگر نداشته و بنابراین لازم است که حکم شرعی تولید سلاح هسته‌ای، به‌طور مستقل بررسی گردد. ادله‌ای که برای حرمت تولید سلاح هسته‌ای بیان شده عبارتند از: حرمت مقدمه‌حرام، دین صلح و امنیت بودن اسلام، برهم خوردن آرامش روانی جامعه بشری، لغو و تبذیر بودن ساخت آن، عقل و اجماع. اما با بررسی که گردید مشخص شد که هیچ یک از این ادله، توانایی اثبات این مهم را ندارد؛ لذا بر اساس اصل اباحه و برائت، جواز تولید سلاح هسته‌ای ثابت می‌شود.

علاوه بر آن، ادله به‌خصوصی نیز وجود دارد که می‌تواند جواز، بلکه وجوب تولید سلاح هسته‌ای را ثابت نماید. آیه إعداد، قاعده نفی سبیل، قاعده مقابله‌به‌مثل و وجوب شدّت برخورد با دشمنان، دلایلی هستند که بر وجوب تولید سلاح هسته‌ای دلالت می‌کنند. منتهی با فرض حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای، به جهت حرمت‌تبذیر، لازم است که به حداقل میزانی که تولید سلاح هسته‌ای موجب بازدارندگی می‌شود، اکتفا نمود.

آگاهی دشمنان از فتوای حرمت نیز نمی‌تواند موجب لغویت تولید سلاح هسته‌ای گردد؛ زیرا سخن ما نزد آنان اعتباری ندارد. از طرفی لزومی به بیان فتوای حرمت استفاده وجود ندارد؛ بلکه بر اساس قاعده تقیّه، ممکن است در مقطعی از زمان لازم باشد که این فتوا مخفی بماند و یا حتی خلاف آن گفته شود که البته تشخیص آن بر عهده حاکم‌اسلامی می‌باشد. مضاف بر آنکه بر اساس جواز خُدعه و نیرنگ و حتی کذب در جنگ، در مواقع لزوم، حتی می‌توان تهدید به استفاده نیز نمود. زیرا هدف از ساخت سلاح هسته‌ای، ایجاد بازدارندگی است و اهداف بازدارندگی، متفاوت از اهداف در جنگ است. چه‌آنکه هدف از بازدارندگی این است که بدون آسیب زدن به دشمن، اراده خود را به او تحمیل کنیم یا از تحمیل اراده او بر خود جلوگیری کنیم.

اما با وجود آنکه گفته شد دلیلی بر حرمت تولید سلاح هسته‌ای وجود ندارد، تعیین اینکه آیا تولید آن به مصلحت جامعه اسلامی است یا خیر، بر عهده حاکم‌اسلامی است. هدف از نگارش این پژوهش، بررسی حکم‌اوّلی تولید سلاح هسته‌ای بود. بنابراین ممکن است بنا به‌وجود برخی از عناوین‌ثانوی نظیر پذیرش و امضای برخی پیمان‌ها، منجر شدن تولید به انزوا و تحریم‌های بین‌المللی و ...، در مقاطعی از زمان، تولید سلاح هسته‌ای به مصلحت حکومت‌اسلامی نبوده و در نتیجه نامشروع گردد که همین امر، می‌تواند موضوعی برای پژوهش محققین قرار گیرد.

منابع

قرآن کریم

آخوندخراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹). کفایة الاصول. چاپ‌اول. قم: مؤسسةآل‌البیت (ع) لإحیاءالتراث.

احسانی‌فر، احمد (۱۳۹۴). مبانی‌فقهی‌ممنوعیت‌تولید و انباشت‌سلاح‌هسته‌ای. دین‌وقانون، (۱۰)، ۲۲۵-۱۸۸.

ـــــــ (۱۳۹۶). ممنوعیت فقهی استفاده از سلاح‌هسته‌ای در شرایط مقابله‌به‌مثل. تحقیقات کاربردی علوم‌اسلامی، (۱)، ۸۱-۱۰۹.

ـــــــ (۱۳۹۶). تحلیل‌فقهی فتوای‌رهبری مبنی بر حرمت‌استفاده از سلاح‌هسته‌ای در پرتو نظریه‌تابعیت. حکومت‌اسلامی، (۴)، ۵-۳۴.

ازغندی، علی‌رضا (۱۳۷۳). بازدارندگی و نظم نوین‌جهانی. سیاست‌دفاعی، (۶)، ۹۵-۱۰۵.

ایزدی (۱۳۸۴). بازدارندگی در حوزه‌سلاح‌های‌اتمی. علوم‌وفنون‌نظامی، (۴)، ۶۳-۷۹.

حائری‌اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۴). الفصول الغرویة فی الاصول الفقهیة. چاپ‌اول. قم: داراحیاءالعلوم‌الاسلامیة.

حسینی‌شیرازی، سیدمحمد (۱۴۲۳). فقه‌العولمه. چاپ‌اول. بیروت: مؤسسه‌الفکرالاسلامی.

حسینی‌عاملی، محمدجواد (بی‌تا). مفتاح الکرامة فی شرح‌قواعدالعلامة. بیروت: داراحیاءتراث‌العربی.

حکمت‌نیا، محمود و احسانی‌فر، احمد (۱۳۹۶). بررسی‌ونقد نظریه «تفکیک قصد و فعل» در استفاده از سلاح‌هسته‌ای. حقوق‌اسلامی، (۵۴)، ۶۷-۹۶.

حکیم، سیدمحسن (بی‌تا). حقائق‌الاصول. قم: مکتبةبصیرتي.

حمزه‌پور، علی (۱۳۹۰). راهبردهای‌امنیتی‌سیاست‌های خارجی جمهوری‌اسلامی‌ایران. تهران: پژوهشگاه‌فرهنگ‌واندیشه‌اسلامی.

حنّان، حمیدرضا و علوی‌وثوقی، سیدیوسف (۱۳۹۹). بازخوانی‌مبانی‌فقهی حرمت‌وممنوعیت‌تولید و استفاده از سلاح‌های‌هسته‌ای. مطالعات فقه‌وحقوق‌اسلامی، (۲۲)، ۲۰۷-۲۳۲.

خرازی، سید محسن (۱۴۲۳). البحوث الهامة فی المکاسب المحرمة. چاپ‌اول. قم: مؤسسه در راه حق.

خمینی، سید روح‌الله‌موسوی (۱۳۸۵). انوار الهدایة فی‌التعلیقة علی‌الکفایة. چاپ‌سوم. مؤسسه تنظیم‌ونشر آثار امام‌خمینی (ره).

ـــــــ (۱۳۷۳). مناهج‌الوصول الی‌علم الاصول. چاپ‌اول. تهران: مؤسسه‌تنظیم‌ونشرآثارامام‌خمینی (ره).

ـــــــ (۱۳۸۱). تهذیب‌الاصول. چاپ‌اول. تهران: مؤسسه تنظیم‌ونشرآثارامام‌خمینی (ره).

خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). موسوعة‌الامام‌الخوئی. چاپ‌اول. قم: مؤسسة‌إحیاءآثار الامام‌الخوئي.

راغب‌اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). مفردات‌ألفاظ‌القرآن. چاپ‌اول. بیروت: دارالقلم.

ربانی، مهدی و روحانی، عباسعلی (۱۳۹۹). بررسی‌ادله‌جواز یا حرمت‌تولید و انباشت سلاح‌های‌کشتارجمعی. فقه‌واصول، (۱۲۳)، ۸۷-۱۰۷.

رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام؛ عطار، سعید و ماوندادی، زهرا (۱۳۹۸). بررسی منازعه‌هندوپاکستان بر اساس‌نظریه بازدارندگی‌هسته‌ای والتز. سیاست و روابط‌بین‌الملل، (۵)، ۱۶۶-۱۳۹.

روحانی، محمدصادق (۱۴۲۹). منهاج الفقاهة. چاپ‌پنجم. قم: انوارالهدی.

زارعی‌سبزواری، عباسعلی (۱۴۳۰). القواعدالفقهیة فی‌فقه‌الامامیة. چاپ‌اول. قم: جماعة‌المدرسین فی‌الحوزة‌العلمیة‌بقم-مؤسسة‌النشرالإسلامي.

ساعدی، جعفر (۱۳۸۴). اجماع در اندیشه‌شیعی. فقه‌اهل‌بیت، (۴۲)، ۱۵۰-۱۹۹.

سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳). مهذّب الاحکام فی‌بیان الحلال‌والحرام. چاپ‌چهارم. قم: السید عبدالاعلی سبزواری.

سلیمانی، رضا و حسینی، سیده‌فاطمه (۱۴۰۰). ادله‌فقهی‌حرمت‌ساخت و به‌کارگیری تسلیحات‌هسته‌ای در راهبردبازدارندگی‌اسلام. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، (۶۷)، ۲۰۷-۲۳۶.

سیفی‌مازندراتی، علی‌اکبر (۱۴۲۵). مبانی‌الفقه فی‌القواعدالفقهیة‌الاساسیة. چاپ‌اول. قم: جماعة‌المدرسین فی‌الحوزة‌العلمیة‌بقم-مؤسسة‌النشرالإسلامي.

ـــــــ (۱۴۲۹). بدایع البحوث فی علم‌الاصول. چاپ‌دوم. قم: جماعة‌المدرسین فی‌الحوزة‌العلمیة‌بقم-مؤسسة‌النشرالإسلامي.

شریعتی، روح‌الله (۱۳۹۳). قواعدفقه‌سیاسی. چاپ‌اول. قم: پژوهشگاه علوم‌وفرهنگ‌اسلامی.

شیخ‌صدوق، محمدبن‌علی‌ابن‌بابویه (۱۴۱۳). من لا یحضره‌الفقیه. چاپ‌دوم. قم: جماعة‌المدرسین فی‌الحوزة‌العلمیة‌بقم-مؤسسة‌النشرالإسلامي.

صاحب‌جواهر، محمدحسن نجفی (۱۴۲۱). جواهرالکلام. قم: مؤسسة دائرةالمعارف‌فقه‌اسلامی بر مذهب‌اهل‌بیت (ع).

صدر، سیدمحمد (۱۴۳۰). ما وراءالفقه. چاپ‌اول. بیروت: دارالاضواء للطباعةوالنشروالتوزیع.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷). بحوث فی علم‌الاصول. چاپ‌سوم. قم: مؤسسةدائرة معارف‌الفقه‌الاسلامي.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی‌تفسیرالقرآن. چاپ‌دوم. بیروت: مؤسسة الأعلمی‌للمطبوعات.

طباطبایی حکیم، سید محمدسعید (۱۴۱۷). مصباح‌المنهاج (الطهارة). چاپ‌اول. بی‌جا: مؤسسة المنار.

عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۱). منهاج‌الاصول. چاپ‌اول. بیروت: دارالبلاغة.

ـــــــ (۱۴۱۷). نهایةالافکار. چاپ‌سوم. قم: جماعةالمدرسین فی‌الحوزةالعلمیةبقم- مؤسسةالنشرالإسلامي.

علامه‌حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). تذکرةالفقهاء. چاپ‌اول. قم: مؤسسةآل‌البیت (ع).

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۲). فقه‌تولید، انباشت و کاربرد سلاح‌های‌غیر متعارف با محوریت‌فقه‌امامیه. حقوق‌اسلامی، (۳۸)، ۷-۲۸.

فاضل‌لنکرانی، محمد (۱۳۸۳). القواعدالفقهیة. چاپ‌دوم. قم: مرکزفقهی‌ائمه‌اطهار (ع).

فاضل‌لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۴). بررسی‌فقهی‌سلاح‌های کشتارجمعی. چاپ‌اول. قم: مرکزفقهی‌ائمه‌اطهار (ع).

کاشف‌الغطاء، مهدی (۱۴۳۱). احکام‌المتاجر. چاپ‌اول. نجف: مؤسسه کاشف‌الغطاء العامة.

کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷). اصول‌الکافی. چاپ‌چهارم. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

لجنةالفقه‌المعاصر (۱۴۴۴). الفائق فی‌الاصول. چاپ‌دهم. قم: لجنةالفقه‌المعاصر.

مجموعه‌نویسندگان (۱۳۷۸). گزیده‌مقالات‌سیاسی-امنیتی. چاپ‌دوم. تهران: پژوهشکده‌مطالعات‌راهبردی.

محقق‌کرکی، علی‌بن‌حسین (۱۴۱۴). جامع‌المقاصد فی‌شرح‌القواعد. چاپ‌دوم. قم: مؤسسةآل‌البیت (ع).

مدرسی، محمدرضا (۱۳۹۲). مقالات‌فقهی (قمار، ...). چاپ‌اول. قم: دارالتفسیر.

مرکزاطلاعات‌ومدارک اسلامی (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه‌اصول‌فقه. چاپ‌اول. قم: پژوهشگاه علوم‌وفرهنگ‌اسلامی.

مرکزالتحقیقات‌والدراسات‌العلمیة فی‌المجمع‌العالمی للتقریب بین‌المذاهب‌الاسلامیة (۱۴۳۰). موسوعة اصول‌الفقه المقارن. چاپ‌اول. تهران: المجمع‌العالمی‌للتقریب بین المذاهب‌الاسلامیة.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه‌آثارشهیدمطهری. چاپ‌هشتم. قم: اسراء.

مظفر، محمدرضا (۱۳۸۸). اصول‌الفقه. چاپ‌پنجم. قم: جماعةالمدرسین‌في الحوزةالعلمیةبقم- مؤسسةالنشرالإسلامي.

مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیرنمونه. چاپ‌اول. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

ملکی‌اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹). فرهنگ‌اصطلاحات‌اصول. چاپ‌اول. قم: عالمه.

منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵). دراسات فی‌المکاسب‌المحرمة. چاپ‌اول. قم: نشر تفکر.

میرزای‌قمی، ابوالقاسم (۱۴۳۰). القوانین المحکمة فی‌الاصول. چاپ‌اول. قم: احیاء الکتب‌الاسلامیة.

نایینی، محمدحسین (بی‌تا). اجودالتقریرات. چاپ‌اول. قم: کتابفروشی‌مصطفوی.

نراقی، احمد (۱۳۷۵). عوائدالایام. چاپ‌اول. قم: دفترتبلیغات‌اسلامی حوزه‌علمیه‌قم-مرکز انتشارات.

نراقی، مهدی (۱۳۸۰). رسائل و مسائل. چاپ‌اول. قم: کنگره بزرگداشت محققان ملا مهدی و ملا احمد نراقی.

ولایی، عیسی (۱۳۸۶). فرهنگ‌تشریحی‌اصطلاحات‌اصول. چاپ‌پنجم. تهران: نشر نی.

یزدی، محمد (۱۳۷۴). فقه‌القرآن. قم: اسماعیلیان.

یوسف‌وند، محمود و کهوند، حامد (۱۳۹۶). مبانی منع به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای و حقوق‌بشردوستانه محیط‌زیست. پژوهش‌های‌دفاعی‌امنیتی‌اسلام، (۳)، ۸۹-۱۱۰.